

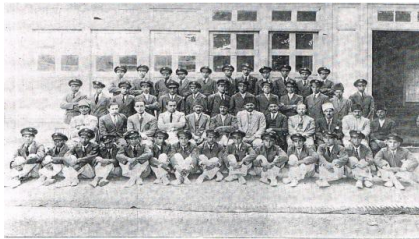


۲۰۱۶/۰۱/۱۵



عزیز کهگدای

یادی از یک طبیب حاذق و خدام صادق مرحوم نوروز علیخان



ملانیاب رئیس مسائل صحت داکترهای افغانه های مرکزی و علاقه معرفت علی
8. Ex. le Chef Autonome de la Santé Publique, avec les Docteurs des Hôpitaux Centraux
et les Elèves de l'École de Médecine.

مکتب طبی با معلمین و شاگردان

در آوانیکه طب سنتی در افغانستان مروج بود امیر عبدالرحمن خان یک داکتر انگلیس را برای تداوی خود استخدام کرد. این داکتر اولین شفاخانه را بنام **ابن سینا** در کابل تأسیس کرد، سپس موصوف نخستین دواخانه طبی را توسط **داکتر دایم** هندی زیر نظر خود «داکتر انگلیس» بکار انداخت.

امیر حبیب الله خان دو داکتر هندی بنام های **غلام نبی** و برادرش **غلام محمد** را جهت تداوی مریضان و دو جراح هندی را به کابل استخدام کرد و **حسین قلی خان** شکسته بند افغان تحت نظر آنها تجارب زیادی را آموخت. در ۱۹۱۱م امیر مذکور شفاخانه های «قلعه محمود خان»

و «قلعه باقرخان» را تأسیس کرد (شفاخانه قلعه باقرخان بعداً در شفاخانه علی آباد انتقال یافت) که توسط داکتران هندی تداوی و عملیات ها صورت میگرفت کذا امیر حبیب الله خان داکتر **الاجویا** هندی را برای خود و **منیر بیگ** داکتر ترکی را برای شفاخانه عسکری استخدام کرد.

در زمان اعلیحضرت غازی امان الله طبابت انکشاف بیشتر کرد و بر علاوه داکتران هندی، داکتران ترکی، آلمانی و روسی رانیز استخدام کرد و بدین صورت تداوی عنعنوی به تداوی عصری تبدیل شد. بعداً داکتر **زیلر** و داکتر **فیشر** را از آلمان، داکتر **رفقی کامل**، داکتر **فواد**، داکتر **ربیع** و غیره را از کشور دوست ترکیه بکابل خواست و بلاخره اداره بنام «مدیریت طبیه» در تشکیلات دولت تأسیس کرد.



شفاخانه عصری رفقی سناتوریم علی آباد

در عصر اعلیحضرت محمد نادرشاه، طبابت در افغانستان پیشرفت شایانی کرده تأسیس مکتب طبی «معاون داکتر» در عمارت مکتب صنایع (بعداً لیسه حبیبیه) برای یک دوره دوساله، مکتب عالی کمپو دری «دواسازی» بقسم لیلیه، مکتب پرستاری و تأسیس شفاخانه مجهز و عصری **رفقی سناتوریم علی آباد** در ۱۱ عقرب ۱۳۱۱ش اعمار گردید و در مقابل آن باغ نباتات بوتانیک ساخته شد.

بروز اول عقرب ۱۳۱۱ش به اساس پیشنهاد داکتر «**بای رفقی بیگ کامل**» ترکی داکتر حضور و مشاور وزارت صحیه، **پوهنخی طب**، توسط محمد نادرشاه در قصر دلکشا رسماً به همکاری ترکیه افتتاح گردید و شعبه از دارالفنون «دارالامان» برای پوهنخی مذکور اختصاص داده شده و یک تعداد استادان از ترکیه استخدام گردید. نخستین دسته محصلینی که در آن پوهنخی شامل شدند، ۹ نفر از بکلوریا پاسان لیسه های حبیبیه و استقلال انتخاب شدند. داکتر **رفقی بیگ** اولین رئیس پوهنخی مقرر شد سپس پروفیسور **داکتر بای حسن رشاد** بسمت رئیس پوهنخی کارکرد. گروه اول داکتران بعد از مؤفقییت در رشته اختصاصی بسال ۱۳۱۶ش فارغ التحصیل شدند و به اساس فیصله وزارت صحیه به شفاخانه ها معرفی گردیدند.

داکتر فقیر محمد شفا و داکتر عبدالغنی افضل، داکتران داخله، محمد اسمعیل علم داکتر چشم، نوروز علی خان داکتر گوش، گلو و بینی، میر غلام حسین داکتر جراحی، عبدالرحمن حکیمی داکتر جلدی، محمد اسمعیل طاهری داکتر باکترولوژی و عبدالرحمن محمودی داکتر عقلی و عصبی.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ



معلمین و طلاب پوهنځی طب کابل درسال ۱۳۱۴ش



قطار اول: پروفیسور حسن رشاد رئیس پوهنځی
داکتر رفقی کامل. ردیف دوم: از راست بچپ داکتران غنی افضل
نوروز علی، اسمعیل طاهری، میرغلام حسین، اسمعیل علم، فقیر
محمد شفا، عبدالرحمن محمود و عبدالرحمن حکیمی .



یک حصه از عملیات خانه باکترولوژی پوهنځی طب

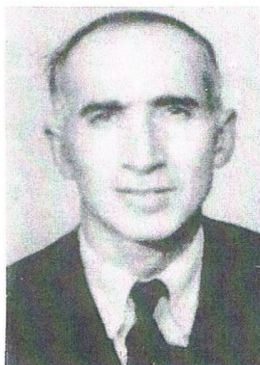


داکتر رفقی کامل بیگ عین امتحان محصلین پوهنځی طب و محصلین کامیاب
سال ۱۳۱۴ش

آنها پدران طب افغانستان اند، دوره جوانی و پخته سالی خود را وقف خدمت به وظیفه طبی نموده برجسته ترین داکتران افغانستان بودند. در پُست های که خدمت کرده اند، پیوسته ب فکر بلند بردن سویه علمی و عملی شاگردان بودند و کدر علمی استادان پوهنځی طب را بلند برده و نتایج درخشانی به بار آوردند. شخصیت نیک، پاکفسی، خیرخواهی و خیررسانی آنها قابل توصیف است و نام های شان به افتخار یاد گردیده و در صفحه تاریخ طب افغانستان درج است. از جمله که عملاً برای رفاه و بهبود جامعه، خدمات قابل وصفی را انجام داده است یکی هم

داکتر مرحوم **نوروز علیخان** می باشد، این داکتر حائق، لایق و وطن دوست که یکی از ستاره درخشان طب افغانی از دوره نخست طلایی پوهنځی طب کابل میباشد برسیل قدردانی و یادآوری از خدمات ارزنده ایشان ذکر خیری بنمایم:

مرحوم داکتر نوروز علیخان، بسال ۱۲۸۹ش در یک خانواده منور در کابل پا به عرصه وجود گذاشت و با تربیت سالم رشد نمود. بعد از اكمال دوره ابتدایی، تعلیمات عالی را در لیسه استقلال بدرجه عالی بپایان رسانید. با تشکیل پوهنځی طب در ۱۳۱۱ش در زمره نخستین محصل پوهنځی طب شامل شد دوره تحصیل را در بین هم قطاران به درجه عالی بپایان رسانیده و در ۱۳۱۶ش در شفاخانه رفقی سناتوریم علی آباد، داخل خدمت شد، در اثر لیاقت و جدیت در وظیفه دو سال بعد بحیث مدیر صحیه مزار شریف مقرر گردید و درسال ۱۳۱۹ش به بغلان تبدیل و در همین سال حسب ضرورت و جهت ادامه مطالعات بیشتر دوباره بشفاخانه مذکور



مرحوم نوروزعلی خان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

در سرویس گوش گلو و بینی به مطالعات و تداوی مریضان بازگشت آوانیکه مکتب مستورات در گذراندرابی بود، در ۱۳۲۱ش بحیث داکتر مؤظف سرویس گوش و گلو و درعین زمان استاد مضمون حفظ الصحه را در شفاخانه مذکور درس میداد.

در همین سال، به اثر لیاقت سرشار و قدم های مؤثری که در راه طب برداشته بود، بعد از امتحان تخصص، بحیث **متخصص شق گوش، گلو و بینی** ارتقاء یافته، بسمت متخصص، در سرویس گوش و گلو و شفاخانه علی آباد، مقرر گردید و درغیاب پروفیسور، وظیفه تدریس را در پوهنخی طب نیز عهده دارشد. داکتر نوروز علی بر علاوه نوازش ها، انعامات و تقدیرنامه ها از طرف مقامات حکومت، به اخذ نشان «استور» مفتخر گردید و در اثر سجل خوب، به رتبه «۳» ارتقاء یافت. چهره آرام، جبین فراخ او از فراست و استعداد فطری این انسان خلیق حکایت میکرد. با ملایمت سخن میگفت و با تواضع و فروتنی با مردم آمیزش داشت، رویه نیک با غنی و فقیر، علیل و نادار، دوست و رفیق، کمک میکرد زیرا **محبت شفا دهنده امراض است**. تازمانیکه متصدی شعبه خود در شفاخانه بود، مصدر خدمات برجسته در امور صحتی شده، مراحل مختلف و بسیار سنگینی را درمأموریت خود طی نمود، به حدی که زحمتکشی های مداوم شبها روزی، داشتن مراجعین زیاد که آنها را رد کرده نمیتوانست و خستگی های زیاد، پشت داکتر جوان و صالح راخم ساخت و بیماری ها بجانش ریشه دوانید که در اثر آن بساعت ۵ عصر سوم دلو ۱۳۳۴ش، بعمر ۴۷ سالگی در کابل دعوی حق را لیبیک گفته، جان به حق سپرد و از طرف وزارت صحتیه، ارادتمندان و منسوبانش درحضیره آبابی شان، در جوا رزیارت سخی «جمال مینه» محترمانه بخاک سپرده شد. پروردگار عالمیان روح آن مرحوم را قرین رحمت خود بدارد و جنت نعیم را جایگاه شان بسازد.

بدانکه هیچ کس درجهان نمی ماند بغیر ذات خداوند باقی و غفار

داکتر جوان و طبیب حاذق، در بین ملت علاقه مندان زیادی داشت، او شریک غم و شادی دیگران و دلنشین ترین مصاحب دوستان بود. از این رو همه کسانی که او را میشناختند، از دل و جان دوستش داشتند. معاینه خانه موصوف در عمارت لب دریای باغبان کوچه بود. مراجعین خود را با جبین کشاده و سلوک نیک، می پذیرفت و مریضان بی بضاعت را، مجانی تداوی میکرد و برای شان مجانی ادویه رایگان میداد. چون وی راحت و آسایش خود را سزاوار عالیترین مراتب تعریف و تمجید میدانست.

از مرحوم داکتر نوروز علیخان، ۶ صبیبه و ۲ پسر به یادگار مانده، فرزندان همه تحصیل کرده و صاحب مشاغل خوب اند. منجمله اسدالله جان نوروز پسر ارشد مرحومی، جای پدر را پُر کرده، در همان پوهنخی تحصیل و فعلاً در شهر هامبورگ آلمان بحیث داکتر لایق و دوست همگان اجرای وظیفه می نماید. محترمه نسرين جان مراد، دختر مرحوم داکتر نوروز علیخان که در ایالت اریزونا با فامیل خود بسر میبرد، در تکمیل این یادداشت کمک کرده، اظهار میدارد:

«بعد از فوت پدرم که هنوز در دوره جوانی اش بود، همه ما اطفال صغیر بودیم، مادر مهربان ما، زحمت تربیت و تعلیم و مشکلات زندگی ما را با حوصله مندی و شکیبایی بپوش گرفت. علاوه برآنکه وی در ریاست روزنتون خدمت میکرد، از تفریحات و خوشی ها و لذایز زندگی صرف نظر کرده، تا ناوقت های شب خیاپی و بافت میکرد، لباس می دوخت و زندگی ما را تأمین میکرد. این همه علم و کمال، تربیت و تعلیم، صحت و سلامتی که خداوند منان نصیب من، خواهران و برادرانم کرده است، همه و همه از برکت همت و زحمات شباروزی مادرمهربان ماست که جوانی و نشاط خود را وقف تعلیم و تربیه سالم اولاد های خود نموده است.» محترمه نسرين جان افزود: «بعد از مرگ پدرم، قسمتی خانه پدری ما (واقع کارته ۴) را برای تأمین زندگی ما به گرو گذاشتیم. سالها گذشت و ما بزرگ و هرکدام صاحب مشاغل شدیم، روزی جهت خلاصی گروی خانه ما به ولایت کابل رفتیم. قاضی وقت، همینکه چشمش به اوراق پدرم افتاد، از جا برخاسته، به بسیار مهربانی و شفقت سر های هر یک ما را بانوازش پدرانه، بوسیده گفت: همین علم و مقام قضاوت که بمن رسیده، همه از خیرات سر پدر مهربان شما بود که خداوند



د پانوی شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

نصیب من کرد. بعد بجای خود نشسته به گفتار خود چنین ادامه داد: در یکی از روز های سرد خزان که حدود ۱۳ سال داشتیم، در اثر گوش دردی زیاد، ناچار از پغمان، پیاده روانه کابل شدم، همینکه در حصه پُل شاه دو شمشیره (ع) رسیدم، از دکانداری جویای داکتر گوش شدم، دوکاندار که حالت درد آلود مرا دید مرا به معاینه خانه داکتر نوروز علیخان رهنمایی کرد. من نابلد، با جیب خالی و درد شدید گوش که در آنوقت، طاقت و تحمل را از من سلب کرده بود، داخل معاینه خانه داکتر صاحب شده به جناب داکتر صاحب، یعنی پدر شما گفتم: داکتر صاحب! من پیاده از پغمان آمده ام، پول ندارم... گوشم شدید درد میکند، مرا کمک کنید! داکتر صاحب، به بسیار ملایمت، شفقت و مهربانی، گوشم را معاینه کرد، نسخه نوشت و به نفر خدمت خود داد تا دوا را از بازار خریده، بیاورد. بالاخره دوا رسید و در همانجا در گوشم چکانده و بمن گفت: حالا درد گوش تو آرام میشود. چون شام شده بود، و امکانات بازگشت به پغمان نبود، داکتر صاحب وقتیکه از کار خلاص شد مرا با خود در کارتۀ ۴ بخانه برد، و به خانم خود با لبخند ملایم گفت: امشب یک مهمانک برایت آوردم.. خلاصه، آن شب بعد از صرف «سبزی چلو» مزه دار، در بستر راحتی که مانند اولادهای خود، برایم تهیه کرده بودند، بدون درد و تشویش، بخواب رفتم. فردا همینکه داکتر صاحب از شفاخانه بازگشتند، مرا با خود به معاینه خانه خود بُرد و به درایور خود هدایت داد تا مرا به موترهای سمت پغمان، به کوته سنگی برساند. هنگام وداع، یک مقدار پول بمن داد و گفت: بچیم! روزگار هر طوری که باشد به پیش می رود، اما درس و مکتب را فراموش نکنی، تا روزی، مانند من، خدمتی به مردم کرده بتوانی... من دست های او را بوسیدم و رخصت شدم و آن نصیحت پدران را بگوش گرفتم و امروز شکر خداوند را، بجا می آورم که فیض و برکت نصایح پدر شما، صاحب علم و کمال شدم و افتخار میکنم که میتوانم بشما خدمتی انجام دهم. من در هر نماز به روح پُرفروش پدر تان دعایم کنم و درود می فرستم، خداوند کریم مرحومی را بیامرزد و بهشت نعیم را نصیب شان گرداند.»

پایان

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ